

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۸

بررسی تطبیقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال

زهراسادات پورسیدآقایی*

چکیده

این نوشتار به بررسی تطبیقی ویژگی‌های شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال پرداخته است. از این‌روی، پس از تبیین مفاهیم شخصیت، انتظار، روان‌شناسی کمال و مؤلفه‌های روان‌شناختی انتظار، به بررسی نقش هر یک از این مؤلفه‌ها بر شخصیت انسان منتظر می‌پردازد و آن‌گاه آن را با معیارهای سلامت روان از دیدگاه روان‌شناسی کمال مقایسه می‌کند.

واژگان کلیدی

شخصیت، منتظر، روان‌شناسی کمال.

* دانش‌جوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی. (zspsaghaei@gmail.com)

مقدمه

انسان‌ها طبیعتاً در پی رسیدن به کمال هستند و دستیابی به این هدف نیازمند الگوها و روش خاصی است. دیدگاه‌های روان‌شناسان کمال، الگوها و معیارهایی را برای رسیدن به این هدف مهم انسانی بیان می‌کند. بنابر دیدگاه ما، مهدویت بهترین مکتب برای ارائه الگوها و راه‌های رسیدن به کمال واقعی است. در حقیقت، انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد و اگر انسان منتظر به وظایفی عمل کند که برای او برشمرده شده، به الگوی مطلوب انسان دین‌دار دست می‌یابد و به جایگاه و مرتبه والایی می‌رسد. به عبارت دیگر، انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی می‌رسد که مورد انتظار دین اسلام است؛ بالاترین نقطه کمال. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۲۰) لذا این مقاله با بررسی تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی انسان در مکتب انتظار با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال، صحت این مدعا را بررسی می‌کند.

اهمیت پژوهش

شناخت انسان کامل از دیرباز معیاری برای شناخت افراد انسانی به شمار می‌رفته است. شاید بتوان گفت ریشه گرایش به شناخت انسان کامل، میل درونی آدمی به کمال و هم‌چنین دوری وی از نقص، ضعف و حقارت است. تطور در دوره‌های گوناگون شناسایی انسان بر مفهومی خاص تکیه دارد. از این‌رو، هر اندیشمند و متفکر و هر مکتب و نظام فکری برای شناسایی انسان بر مفهومی ویژه و برداشتی خاص از انسان تکیه می‌کند که در واقع تلقی وی را از انسان نشان می‌دهد. (ادیبی، ۱۳۵۶)

انگیزش و گرایش ذاتی آدمی به کمال و تعالی و شناخت توصیفی وی از خویش او را به سمت شناخت بایدها و نبایدها و آگاهی از الگوها و معیارهای انسانی می‌کشاند. میل به کمال و دوری از نقص، ضعف و رذالت، آدمی را به یافتن الگوی مطلوب و معیاری ایده‌آل ره می‌نماید و لذا می‌توان گفت توجه انسان برای شناسایی و یافتن الگو و ایده‌آل از میل کمال‌طلبی وی برآمده است. همین جست‌وجوی بی‌پایان انسان را واداشته تا موجودات ماورایی و رب‌النوع‌ها و زمانی هم شخصیت‌های تاریخی را انسان کامل پندارد. از این‌رو، ردپای انسان کامل را در همه فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و ادیان به گونه‌ای می‌توان یافت. (نک: واعظی، ۱۳۷۷: ۵) در این میان برخی از روان‌شناسان معاصر بر اساس جهان‌بینی خویش، انسانی را نمونه و برتر معرفی نموده‌اند و عنوانی خاص چون «انسان خلاق»، «انسان خودانگیخته»، «انسان به فعلیت رسانده» بر آن نهانده‌اند. شاید بتوان گفت به عدد انسان‌شناسان، نمونه‌ای از انسان کامل معرفی شده است.



با روشن شدن جایگاه و اهمیت شناسایی انسان و شناخت انسان کامل، به منزله الگو، به بررسی تطبیقی انسان مطلوب و ایده‌آل در مکاتب روان‌شناسی و ویژگی‌های انسان منتظر می‌پردازیم.

تعریف شخصیت

شخصیت، الگوی نسبتاً پایدار و ثابت افکار، هیجان‌ها و رفتار یک فرد است که ویژگی‌های نسبتاً باثبات و پایداری را دربر می‌گیرد که صفت نامیده می‌شود؛ صفاتی مانند زودرنجی و مضطرب بودن. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

روان‌شناسی کمال

روان‌شناسی کمال به جنبه سالم طبیعت آدمی می‌پردازد، نه به جنبه ناسالم آن (بیماری روانی). هدف آن نیز درمان مبتلایان به روان‌نژندی و روان‌پریشی نیست، بلکه بیداری و رهایی استعدادهای عظیم انسان برای از قوه به فعل رساندن و تحقق بخشیدن توانایی‌های خویش و یافتن معنای ژرف‌تری از زندگی است. تصویری که روان‌شناسان کمال از طبیعت انسان به دست می‌دهند، خوش‌بینانه و امیدبخش است. آنان به قابلیت گسترش و شکوفایی کمال خود و تبدیل شدن به آن‌چه در توان آدمی است اعتقاد دارند. هفت نظریه از روان‌شناسان بزرگ انتخاب شده که با وجود نقاط اشتراک فراوان، هر کدام تصویر جداگانه‌ای از انسان مطلوب ارائه کرده‌اند. روان‌شناسان کمال درباره موارد زیر، نظر خود را به گونه‌ای طبقه‌بندی شده مطرح کرده‌اند: «انگیزش، تأکید بر هشیار یا ناهشیار، تأکید بر گذشته، تأکید بر حال، تأکید بر آینده، تأکید بر افزایش یا کاهش تنش، نقش کار و هدف‌ها، احساس مسئولیت درباره دیگران و ماهیت ادراک». (شولتس، ۱۳۸۵: ۶)

برخی روان‌شناسان کمال عبارتند از: آلپورت (G.Allport) (الگوی انسان کامل)، راجرز (C.Rogers) (الگوی انسان با کنش کامل)، فروم (E.Fromm) (الگوی انسان بارور)، مزلو (A.Maslow) (الگوی انسان خواستار تحقق خود)، یونگ (C.G.Jung) (الگوی انسان فردیت یافته)، فرانکل (V.Frankl) (الگوی انسان از خود فرارونده) و پرلز (F.Perls) (الگوی انسان این‌مکانی و این‌زمانی).

مفهوم انتظار

معنای لغوی انتظار عبارت است از: انتظار آن را کشید، منتظر آن شد، متوقع آن شد، به آن مهلت داد. (بندرریگی، بی‌تا)
لفظ انتظار مفهومی ضد یأس دارد و مراد از «در انتظار چیزی بودن» آن است که وقوع آن را یقینی بداند و چشم به راه آن باشد. (فقیه ایمانی، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

الگوی مهدویت در اسلام، مجموعه نظام اعتقادی فرد درباره امام عصر علیه السلام را گویند که پیرو آن، انتظار حضرت و تکالیف خاص درباره ایشان برای وی لازم می‌گردد. اعتقاد به امام عصر علیه السلام به معنای ایمان و اعتقاد به امام معصومی (دوازدهمین امام شیعیان) است که متولد شده و اکنون در پس پرده غیبت به سر می‌برد و روزی به مشیت الهی ظهور خواهد کرد. (بهرامی احسان، بی تا)

مؤلفه‌های انتظار

انتظار در مکتب اسلام، تنها رویکردی عاطفی نیست، بلکه رویکردهای معرفتی، اجتماعی، اخلاقی و فردی را نیز شامل می‌شود. از این‌روی، می‌توان انتظار را همچون منشوری دانست که تجلیات گوناگونی دارد. در بُعد روان‌شناختی انتظار، بیشتر به آثار کارکردی آن توجه می‌شود؛ (شرفی، ۱۳۸۲: ۲۲ - ۳۰) اهدافی که یک منتظر واقعی برای خود ترسیم می‌کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آنها به کار می‌بندد و اوج‌هایی که شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها بدانها چشم دوخته و خود را در مسیر دست یافتن بدانها قرار می‌دهد. (احمدی سعدی و فرزادفرد، بی تا: ۱۹۰)

انتظار امام معصوم علیه السلام از لحاظ روان‌شناختی، حالت‌های زیر را در انسان پدید می‌آورد: امید، آمادگی و اشتیاق. هر یک از این مؤلفه‌ها در شخصیت انسان منتظر تأثیراتی خواهد گذاشت (بهرامی احسان، بی تا) که در ذیل به آنها پرداخته خواهد شد.

مؤلفه امید

بعد امید به ظهور امام زمان علیه السلام عبارت است از حالاتی که انسان منتظر دارای آن است و نشان‌دهنده آرزو و امید ظهور امام عصر علیه السلام است. (همو) برای درک تأثیر مؤلفه امید در شخصیت انسان منتظر باید ابتدا به بررسی رابطه انتظار با زمان پرداخت.

الف) انتظار و زمان گذشته

۱. امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره تأثیر وراثت و انتقال ویژگی‌های والدین به فرزندان می‌فرماید:

حُسن الأخلاق برهان کرم الأعراق؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۴)

خوی نکو، نشان رگ و ریشه نیکوست.

تأثیر وراثت، به معنای اختیار نداشتن انسان نیست، بلکه بیان روند طبیعی انتقال صفات از اصل به فرع است. در حقیقت، سعادت، شقاوت، کفر، ایمان و... در کودک حالت تعلیقی دارد که چون در محیط مساعد قرار گیرد، به فعلیت می‌رسد. به بیان دیگر، نقش وراثت آن است که زمینه‌های سرشتی را قوی‌تر می‌کند و ضریب امکان تحقق آنها را در شرایط محیطی مناسب افزایش می‌دهد. (رفیعی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۱۶۴) پس اگر انسان در انتخاب همسر دقت کند و عوامل

دینی و اخلاقی را در اولویت قرار دهد، زمینه و بستری فراهم می‌آورد تا در آینده بتواند به آسانی محبت حضرت مهدی علیه السلام را به فرزند خود انتقال دهد و بر منتظران واقعی حضرت بیفزاید. از همین روی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

تزوَّجوا فی الحجز الصالح، فإنَّ العرق دَسَّاس؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۶: ۲۹۶: ح ۴۴۵۵۹)
با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه اثر دارد.

۲. حضرت علی علیه السلام درباره تأثیر محیطی که کودک در آن رشد کرده (دوران کودکی) فرموده است:

قلب نونهال، مثل زمین خالی می‌ماند که هرچه در آن بکاری می‌پذیرد. (شریف رضی، ۱۴۱۲: ج ۳، ۴۰: نامه ۳۱)

هم‌چنین حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳: ج ۱۴: ۳۶۸)
فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، محبت اهل بیت او و قرائت قرآن.

محبت حضرت مهدی علیه السلام، ارزشی است که می‌تواند از راه خانواده به فرزندان انتقال یابد و در درونشان نهادینه شود، اما این انتقال محبت، باید با معرفتی فهمیدنی برای کودکان همراه باشد. در حقیقت، محبت یعنی دوستی همراه با عمل به دستورات اهل بیت و به عبارت دیگر، دوستی اهل بیت و در گفتار، کردار و پندار، مانند آنان بودن. چنین محبتی می‌تواند سعادت و خوشبختی را برای خانواده‌ها به ارمغان آورد و فرزندان آنان را در زمره منتظران راستین حضرت قرار دهد. اسلام و در نتیجه مکتب انتظار، درباره تأثیر گذشته فرد در رشد و شکوفایی استعدادها، شکل و جهت‌دهی به رفتار، الگودهی و آموزش، انتقال ارزش‌های اخلاقی و انتقال آداب و رسوم و قوانین اجتماعی تأیید شده در منابع اسلامی تردید نمی‌کند. با وجود این، برخلاف دیدگاه فروید درباره کنش متقابل میان جنبه‌های ارثی و عوامل محیطی، اسلام این تعامل را همیشه تعیین‌کننده نمی‌داند، بلکه تعامل وراثت و محیط را در قلمرو رفتارهای اختیاری انسان زمینه‌ساز می‌داند و اراده و انتخاب شخص را عامل تعیین‌کننده برمی‌شمارد؛ یعنی انسان مؤمن در مکتب انتظار، هیچ‌گاه مجبور و اسیر دست‌بسته گذشته خود نیست و با اراده و اختیار آگاهانه خود مسیر کمال و تعالی خود را برمی‌گزیند. (آذربایجانی، ۱۳۷۵: ۶ - ۲۲)

آپورت نیز معتقد است تجربه‌های کودکی در رشد و پرورش شخصیت سالم اهمیت دارند. با وجود این، بنابر عقیده وی، جراحات و کشمکش‌های دوران کودکی شخصیت‌های بالغ را نمی‌راند. روان‌نژدها اسیر تجربه‌های کودکی خویشند، اما اشخاص سالم از قید و اجبارهای

گذشته آزادند. به نظر آلپورت، نیروهای ناآگاه یا تجربه‌های کودکی رهنمون شخصیت سالم نیستند. در حقیقت زمانی که شخصیت سالم شکل گرفت، از گذشته آزاد است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۵، ۲۵، ۳۴)

در این باره دو. آن شولتز (D. Schultz) نیز می‌نویسد:

سلامت روانی، پیش‌نگر است، نه پس‌نگر. دورنما، چیزی است که شخص امیدوار است بشود نه آنچه پیش‌تر روی داده است و دگرگونی‌پذیر نیست. (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۴)

راجرز نیز منکر تأثیر گذشته بر شیوه نگرش حال نیست و این تأثیر را در میزان سلامت روانی انسان‌ها مؤثر می‌داند، اما معتقد است که اشخاص سالم می‌توانند خودشان راهنمای دگرگونی و کمال خویش باشند و زندگی‌شان را بدون تأثیر رویدادهای گذشته هدایت کنند. او اهمیت زمان حال و چگونگی ادراک آن را برای شخصیت سالم، بیش از گذشته می‌داند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۰ و ۵۵)

ب) انتظار و زمان حال

سید بن طاووس دعای عهد را به نقل از امام صادق علیه السلام چنین آورده است:

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی‌ام، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می‌کنم...

در روایتی نیز آمده است:

فتوَقَعُوا الفرج صباحاً و مساءً؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۳۳: ح ۱)
هر صبح و شام منتظر فرج باشید.

هم‌چنین روایت شده است:

ثم یقبل كالشَّهاب الثَّاقِب؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱: ۷۲: ح ۱۳)
و سپس هم‌چون شهاب فروزانی خواهد آمد.

امام زمان علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شیعیان را در زمان غیبت به اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا می‌خواند و می‌فرماید:

پس هر یک از شما باید آن‌چه را پیشه سازد که موجب دوستی ما می‌شود و از هر آن‌چه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد دوری گزیند؛ زیرا امر ما به یک‌باره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد. (همو: ج ۵۳: ۱۷۵ - ۱۷۶: ح ۷)

این روایات نشان می‌دهد تأکید اصلی مکتب انتظار، شکوفایی استعدادها و نیروها در زمان حال است که باید بدون از دست دادن فرصت دست به کار شد. از این جهت می‌توان گفت دیدگاه روان‌شناسان کمال، خصوصاً دیدگاه «پرلز» که بر زمان و این مکان تأکید بسیار دارد، با

دیدگاه مکتب انتظار تقریباً مشترک است. پرلز معتقد است با وجود این که باید از گذشته آگاه بود، نباید در آن زیست و همچنان که باید برای آینده برنامه‌ریزی کرد، نباید برنامه‌ریزی را جانشین زمان حال قرار داد. او می‌گوید: شخصیت سالم در زمان حال و برای حال زندگی می‌کند. از نظر او، این مکان و این زمان است که تنها واقعیت موجود است و باید مسئولیت زیستن در هر لحظه و بهره‌مند شدن از این تجربه‌ها را به عهده گرفت. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸۱ - ۱۸۲)

ج) انتظار و زمان آینده

انتظار، نور سپید و بارقه امید را در دل انسان زنده می‌کند:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ (زمر: ۶۹)

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد.

امام صادق علیه السلام «بنور ربها» را «امام الارض» می‌نامند. (قمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۵۳)

انتظار فرج از آن جهت مورد تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام بوده که امید به آینده را در شیعه منتظر پدید می‌آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد. (احمدی سعدی و فرزاد فرد، بی‌تا: ۱۷۸)

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید. همانا دوست‌داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه خداوند انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند. (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ۶۱۶)

امید، محرک انسان برای رویارویی با آینده است. برخی آن را انگیزه و برخی دیگر آن را نیاز آدمی می‌دانند. به عقیده مزلو، از روان‌شناسان مکتب کمال، «انگیزه آدمی، نیازهای مشترک و فطری است که در سلسله مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف‌ترین نیاز قرار می‌گیرد.» (کریمی، ۱۳۸۸: ۹۱) آدمی، پیوسته و در پی انجام هرکاری، به دنبال غایت و مقصودی مشخص بوده و قبل از اقدام به آن نیز، نیازمند انگیزه‌ای برای آغاز عمل است. بر این اساس، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده «امید به آینده» تجلی می‌یابد؛ آینده‌ای که به مراتب، عالی‌تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد. (شرفی، ۱۳۸۲: ۲۲ - ۳۰)

واژه رمزگون «انتظار» در متون دینی همین آرمان را بسط می‌دهد و آشکار می‌کند. بدین سبب، منتظران در فراسوی امروز به فردا می‌نگرند؛ فردایی که همه سویه‌های زندگی انسان در آن زیباتر و پرمعناتر است. این اصل آینده‌اندیشی معنا ساز، تنها به مفاهیم سیاسی و اجتماعی بازمی‌گردد. فردیت مبتنی بر چنین انگاره فرااندیشانه دینی نیز سامانی متمایز از دیگرگونه‌های زندگی فردی دارد.

مؤمن در این دیدگاه ایمان ساخته، «منتظر» است. این انتظار، رشدخواهی، تحرک و امید را در پی می‌آورد.

از نظر فرانکل، رویکرد آینده‌گرا با ویژگی «سلامت روان» از نسبت معقول و منطقی برخوردار است؛ چرا که او شخصیت‌های سالم را دارای ویژگی‌های دیگری هم می‌داند؛ به آینده می‌نگرند و به هدف‌ها و وظایف آتی توجه می‌کنند و در واقع به چنین هدف‌هایی نیاز دارند. ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند. او در ادامه نظریاتش می‌افزاید: بدون اعتقاد به آینده، «محمل معنوی» زندگی از میان می‌رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می‌گردد. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت؛ در راه هدفی آتی کوشید و گرنه زندگی معنای خود را از دست می‌دهد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

به نظر فرانکل، اعتقاد به آینده، هم عامل معناداشتن زندگی و هم عامل تداوم و استمرار آن است. چنین تعبیری، نقطه اوج نظریات روان‌شناسان در این زمینه است. آلپورت نیز می‌گوید: راهنمای اشخاص بالغ، زمان حال و هدف‌ها و انتظارهایی است که از آینده دارند. افراد سالم به آینده می‌اندیشند و در آینده زندگی می‌کنند. (همو: ۱۵ و ۲۰)

تأثیر مؤلفه امید در شخصیت انسان منتظر

الف) هدف‌مندی

اهداف انسان، مسیر حرکت وی را روشن می‌کنند. امید در زندگی موجب می‌شود انسان بتواند برای خود اهدافی را در نظر بگیرد. انسان منتظر با امید به ظهور نور و عدالت در حقیقت، اهداف کلان زندگی خود و جامعه را با رویکرد به نصرت الهی،^۱ پیروزی و به‌روزی و غلبه حق بر باطل،^۲ گسترش عدالت^۳ و بالأخره فراگیری هدایت، لطف و رحمت^۴ مشخص می‌کند. (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۷۷)

۱. «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مِنْ نَشَاءٍ وَلَا تَرَىٰ بُرْدًا بِأَسْنَانَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ»؛ [مردم

چنان با انبیا مخالفت کردند] تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده،

یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند، و [الی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. (یوسف: ۱۱۰)

۲. «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْعِينَا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ موسی به قوم خود گفت:

از خدا یاری جویید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام

[نیک] برای پرهیزگاران است. (اعراف: ۱۲۸)

۳. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (انبیاء: ۱۰۵)

۴. «يَمَّا لََّ اللَّهُ الْأَرْضَ بِهٖ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۰: ح ۳۷)

۴. «قُلْ كُلُّ مُرْتَبِّصٍ فَتَرَبُّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ»؛ بگو: همه در انتظارند. پس در انتظار باشید.

زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه‌یافته است. (طه: ۱۳۵)

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»؛ امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند،

و [الی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کفر شما] بازمی‌گردیم، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم. (اسراء: ۸)

آپورت، از صاحب‌نظران علم شخصیت می‌گوید: اشخاص برخوردار از سلامت روان، فعالانه در پی هدف‌ها و امیدها و رؤیاهای خویشند و رهنمون زندگی‌شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی‌درنگ انگیزه تازه‌ای آفرید. (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۰) از نظر آپورت، جنبه اصلی شخصیت آدمی، مقاصد سنجیده و آگاه، یعنی امیدها و آرزوهای اوست. این هدف‌ها انگیزه شخصیت سالم قرار می‌گیرند. او کانون وجود آدمی را داشتن هدف‌های درازمدت می‌داند و بشر را از حیوان، سال‌مند را از کودک و در بسیاری موارد شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می‌سازد. (Allport, 1955: 51) فرانکل نیز معتقد است اشخاص سالم همواره در تلاش برای رسیدن به هدف‌هایی هستند که به زندگی‌شان معنا می‌بخشد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

ب) وحدت شخصیت

انتظار به منزله آرمان، موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود؛ زیرا همه آنها ناظر به یک هدف، یعنی انتظار ظهور هستند و برای رسیدن به این هدف، انسان نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی عملیاتی است تا بتواند با بهره‌گیری از تمامی سرمایه‌های وجودی خویش و استفاده بهینه از امکانات، گام‌به‌گام به مقصود نزدیک شود. در حقیقت امید به ظهور مهدی عج و آینده‌ای مطلوب، تمامی افکار و برنامه‌های آدمی را در یک جهت قرار می‌دهد و همین امر موجب وحدت شخصیت او می‌گردد. وحدت شخصیت، از هرز رفتن توانایی‌ها و قابلیت‌ها جلوگیری می‌کند و زمینه رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق‌العاده را فراهم می‌کند؛ زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان برمی‌دارد؛ همان تضادها که برخی انسان‌ها را پیوسته رنج می‌دهد و توانشان را به شدت می‌کاهد. (شرفی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۷۷) «کارن هورنای» (Karen Horney) از روان‌کاوان معاصر معتقد است بیشترین عامل اثرگذار در سلامت روانی اشخاص را باید در پدیده تضادهای درونی آنان جست و چنان‌چه آنان بتوانند به گونه‌ای بر این تضادها فائق آیند، دیگر موجبی برای اختلال در سلامت روانی آنان وجود نخواهد داشت. (هورنای، ۱۳۸۸: ۲۹) در مقابل، باید گفت پراکنده بودن و متفرق بودن تلاش‌های انسان هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. این معنا در قرآن کریم چنین آمده است:

﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾؛ (یل: ۴)

که همانا تلاش شما پراکنده است.

آپورت در بیان چنین رابطه‌ای تلاش برای آینده را سبب یگانگی و یک‌پارچگی کل شخصیت آدمی می‌داند. به عبارت دیگر، بنابر باور وی، می‌توان با کوشش برای دست‌یافتن به مقاصد و رسیدن به هدف‌ها، جنبه‌های شخصیت را یک‌پارچه ساخت و جامعیت بخشید. او ارزش‌ها را همراه با هدف‌ها بسیار مهم برای پرورش فلسفه یگانه‌ساز زندگی می‌داند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶ و ۳۲)

اریک فروم نیز شخصیت سالم را دارای جهت‌گیری بارور می‌داند و جهت‌گیری را گرایش یا نگرشی کلی می‌داند که همه جنبه‌های زندگی، یعنی پاسخ‌های فکری و عاطفی و حسی به مردم، موضوع‌ها و رویدادها را خواه در جهان و خواه در خود دربر می‌گیرد. (همو: ۷۱)

مزلو نیز پراکندگی را نشانه کاستی گرفتن یا نازا ماندن رشد و کمال کامل انسانی می‌داند و معتقد است که وجود آن، انسان را از فعلیت بخشیدن به استعدادها بالقوه‌اش باز می‌دارد. او یگانگی و تمامیت را از ویژگی‌های انسان خواستار تحقق خود می‌داند. (Maslow, 1971)

ج) بینش

پس از تعیین اهداف کلان، امیدواری به انسان منتظر، بینشی عطا می‌کند که در مسیر خود بن‌بستی نمی‌بیند و همواره با خلاقیت و نوآوری راه‌های تازه‌ای را آزمون می‌کند. (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۷۷) امام سجاد علیه السلام فرمودند:

إنتظار الفرج من أعظم الفرج؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۲۰: باب ۳۱: ح ۲)
انتظار ظهور مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست.

امید، همیشه دریچه‌های جدید به روی انسان می‌گشاید. فروم در این باره انسان سالم را آفریننده می‌داند و معتقد است وی قوه تعقلش را کاملاً پرورانده است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۱) مزلو نیز معتقد است آفرینندگی از ویژگی‌هایی است که از خواستاران تحقق خود انتظار می‌رود. آنها اصیل و مبتکر و بدعت‌گردد. این آفرینندگی بیان سلامت روان و مربوط به شیوه ادراک و طرز واکنش به جهان است. (همو: ۱۱۳ - ۱۱۴) به عقیده راجرز نیز همه انسان‌هایی که دارای کنش و کارکرد کامل هستند بسیار خلاقند. (همو: ۵۳)

از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام قرار گرفتن در بالاترین درجه بینش است. این به واسطه معرفت عمیقی صورت می‌پذیرد که خداوند به آنان اعطا کرده است. امام سجاد علیه السلام در مورد قوت عقل و اندیشه یاران مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند تبارک و تعالی آنان را چنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام برای آنان به منزله مشاهده و حضور درآمده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ۱۲۲: باب ۲۲: ح ۳)

همان که اریک فروم نیز در مورد انسان بارور معتقد است تفکر بارور مستلزم هوش و عقل و عینیت است. انگیزه متفکر بارور علاقه شدید به متعلق تفکر است. از متعلق تفکر خویش تأثیر می‌گیرد و بدان علاقه‌مند است. میان متفکر و متعلق تفکر رابطه نزدیکی است که بر اساس آن شخص می‌تواند متعلق تفکر را به طور عینی، با احترام و توجه بررسی کند. تفکر بارور، به جای

در نظر گرفتن اجزا و عناصر تجزیه شده پدیدار مورد مطالعه، متوجه کل و تمامیت آن است. به اعتقاد فروم، لازمه همه کشفیات و بینش‌های عظیم تفکر سازنده است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۲) آپورت نیز معتقد است افراد سالم در سطح معقول و آگاه عمل می‌کنند. (همو: ۱۴)

د) کار و تلاش

انسان منتظر چون امیدوار است، در راه رسیدن به هدف کار می‌کند و هر چه امیدش در این راه بیشتر باشد یقیناً سعی و تلاشش هم بیشتر خواهد بود؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كُلٌّ مِنْ رَجَاءٍ عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۲: ج ۲: ۵۶: خ ۱۶۰)
هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می‌گردد.

در این زمینه فرانکل معتقد است که ارزش‌های خلاق که با فعالیت آفریننده و زایا ادراک می‌شود، معمولاً ناظر به نوعی کار است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)
انتظار فرج، سکون و توقف نیست، بلکه کار و تلاش و تکاپو است و پسندیده‌ترین و بافضیلت‌ترین کارهاست:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۴۴، باب ۵۵، ح ۳)
برترین کارهای امت من انتظار فرج از خداوند است.

همان که راجرز می‌گوید:

شخصیت سالم روند است، نه حالت بودن، مسیر است، نه مقصد، تحقق خود پیش می‌رود، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد و وضعیتی ایستا ندارد. (Rogers: 1961, p186)

هم‌چنین تلاش منتظر نه حرکتی عادی، بلکه حرکتی مجاهدگونه است:

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴: ۱۴۱، باب ۷، ح ۲۶)
برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

مزلو معتقد است که خواستاران تحقق، خود با ایثار یا حس تعهد به کار می‌توانند فرایندها را به چنگ آورند یا متحقق سازند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۰۵ - ۱۰۶)

به عبارتی انتظار فرج، انتظاری پویا و معطوف به هدف است؛ چرا که منتظر به جامعه‌ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیا و اولیا در آن به وقوع خواهد پیوست و از این‌روی، تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و درک مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه‌ای سهیم باشد. از سوی دیگر، او می‌داند که برای چه تلاش می‌کند و انگیزه‌ای آشکار، منطقی، معقول و دفاع‌پذیر دارد. بنابراین، تمامی تلاش‌های او به هدفی والا به نام «انتظار ظهور» معطوف می‌شود و این هدفی معنادار و ارزش‌مند است.

ویکتور فرانکل معتقد است در وجود انسان توانایی‌هایی نهفته که جز در موقعیت‌های خاص، بروز و ظهور نمی‌یابند؛ موقعیت‌هایی نظیر برخورد با سختی‌ها و تنگناها که آدمی را به پویایی و تحرک وامی‌دارد و همین خودانگیزی‌ها، عامل تحقق خویشستن و خودشکوفایی است. (Frankl, 1962)
آپورت نیز می‌گوید:

نمی‌توان شخص بالغ و سالمی را یافت که مهارت‌هایش را به کارش معطوف نساخته باشد. کار و مسئولیت به زندگی معنا و دوام می‌بخشد. بدون داشتن کاری مهم و ارزش‌مند و ایثار، تعهد و مهارت‌های کافی برای انجام دادن آن، رسیدن به بلوغ و سلامت روانی میسر نیست. (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۰ - ۳۱)

منتظران واقعی مهدی علیه السلام مردان عملند؛ چرا که در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در ترسیم ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام آمده است: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و «يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ سبقت‌گیرنده در نیکی‌ها هستند.
فرورم در این زمینه می‌گوید اشخاص سالم بارور، عمیقاً و با دل و جان سرگرم کارند، وسعت و گسترش می‌یابند و خصایص یکتای خود را می‌پروراند. (همو: ۸۴)

مؤلفه آمادگی

انتظار حالتی قلبی و روحی است؛ آماده شدن برای چیزی که توقع می‌رود. هر قدر انتظار شدیدتر باشد آماده شدن هم بیشتر می‌شود. (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۱۳۶) بعد آمادگی برای ظهور امام عصر علیه السلام ناظر بر اعمال و رفتار و کرداری است که نشان‌دهنده تلاش در زمینه‌های ظهور امام زمان علیه السلام هستند و در ابعاد عملی چون صبر و پارسایی نمایان می‌شود. (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۷۷)

آپورت نیز معتقد است اشخاص سالم می‌خواهند در راه تلاش برای ارضای انگیزه‌هایشان به عالی‌ترین سطوح مهارت و شایستگی دست یابند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۱)

تأثیر مؤلفه آمادگی در شخصیت منتظر

الف) صبر

بنابر روایت «منتظران واقعی حضرت مهدی علیه السلام در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام، مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می‌خرند، ولی از سر اخلاص و تواضع عمل خود را هیچ می‌پندارند و به جهت هجوم سختی‌ها و تحمل مشقت‌ها، بر خداوند منت نمی‌گزارند.» (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ج ۹، ۱۲۹ - ۱۳۰)

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است که به اصحاب خود فرمود:

گروهی بعد از شما می‌آیند که هر یک نفر از آنها ثواب معادل ثواب پنجاه نفر از شماست؛ چرا که شما به مشقت‌های آنها مبتلا نشدید و به اندازه آنها صبر نمودید. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹۹)

کتاب *مکیال المکارم* دوازده نشانه برای درجه کامل انتظار بیان فرموده است. برای نمونه آورده است:

منتظر در انتظار محبوب خود صبر بر شدت‌ها و سختی‌ها نماید و آنها را در جنب این امر بزرگ سهل و سبک شمارد. (همو: ۲۹۸)

روایات نشان می‌دهند که استقامت در برابر مشکلات دوران غیبت، شرط آمادگی برای انتظار تا ظهور است و فرد منتظر با ناراحتی و افزایش تنش روبه‌روست.

فرانکل معتقد است که جست‌وجوی معنا می‌تواند وظیفه‌ای آشوبنده و مبارزه‌جویانه باشد و تنش درونی را بیفزاید نه آن که بکاهد. در واقع، فرانکل این افزایش تنش را شرط لازم سلامت روان می‌داند و می‌گوید: شخصیت سالم در سطح معینی از تنش است؛ سطحی میان آنچه بدان دست یافته یا به انجام رسانده و آنچه باید بدان دست یابد یا به انجام رساند، یعنی فاصله‌ای میان آنچه هست و آنچه باید بشود. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

مزلو نیز معتقد است افراد کاملاً سالم خواستار متحقق ساختن استعدادهای بالقوه خود و شناختن و فهمیدن دنیای پیرامونشان هستند. در این حالت فرآنگیزش، شخص در تلاش جبران کمبودها یا کاهش تنش نیست. کمال مطلوب، افزایش تنش از راه تجربه‌های تازه و مبارزه‌جویانه و گوناگون است. (همو: ۹۷)

آپورت نیز معتقد است تنها از راه همین تجربه‌ها و خطرهای تنش‌زاست که بشر می‌تواند بیابد. (همو: ۱۷)

ب) کسب فضایل اخلاقی (پارسایی)

از پی‌آمدهای طبیعی و منطقی آمادگی برای ظهور، کسب فضایل اخلاقی و شایستگی‌های فردی برای همراهی حضرت است. در حقیقت، برای تحقق این مهم، منتظر، نه تنها می‌کوشد به واجبات عمل کند و محرّمات را ترک گوید، بلکه از هر غفلتی نیز می‌پرهیزد و این امر، مستلزم پارسایی، زهد و تقواست و شایستگی در پرتو عمل صالح می‌خواهد. (شرفی، ۱۳۸۲: ۲۲ - ۳۰)

مؤلف کتاب *گران قدر مکیال* می‌گوید:

مؤمنی که در انتظار آمدن مولایش است، هر قدر انتظارش شدیدتر می‌شود، تلاشش برای آماده شدن از طریق ورع و اجتهاد و پاک کردن نفس خود از اخلاق ناپسند و کسب اخلاق پسندیده افزایش می‌یابد. (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۱۳۶)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

برای صاحب‌الامر، غیبتی طولانی است. در این دوران، همه باید تقوا پیشه کنند و به دین خود چنگ زنند. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۱۷۴: ح ۱۱)

هم‌چنین می‌فرماید:

من سرّه أن يكون من أصحاب القائم فليتنظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق؛ (همو: ۲۰۷، باب ۱۱، ح ۱۱۶)

هر کس دوست دارد در شمار اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و پارسایی پیشه سازد و به اخلاق نیکو رفتار کند.

با توجه به این روایات می‌توان نتیجه گرفت که دست‌آورد انسانی تابع اراده اوست تا با عقل و هشیاری رفتار خویش را هدایت کند و مسئول سرنوشت خود باشد، همان‌طور که اریک فروم انسان سالم را حاکم و عامل خود و سرنوشت خود می‌داند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۱)

اوامر و نواهی در آیات و روایات درباره مؤمنان و منتظران واقعی، به اعتبار همین اصل اساسی یعنی قبول اراده و اختیار در انسان و تأکید بر بعد هشیاری برای «شدن» انسان است. (آذربایجانی، ۱۳۷۵: ۶ - ۲۲) آیه ۲۱ سوره نور نیز بر همین امر تأکید می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾؛ (نور: ۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گام‌های شیطان منهدید.

آپورت سائق انسان‌های سالم را کشمکش‌های ناآگاه نمی‌داند و معتقد است شیاطین درون، رفتار آنان را تعیین نمی‌کنند، بلکه افراد سالم در سطح معقول و آگاه عمل می‌کنند و از نیروهایی که آنها را هدایت می‌کنند کاملاً آگاهند و می‌توانند بر آنها چیره شوند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۴)

منتظران واقعی امام عصر علیه السلام تنها به آماده کردن خود برای استقبال از ایشان و پیوستن به حضرتش راضی نمی‌شوند، بلکه خود را موظف می‌دانند این آمادگی را در سایر مؤمنان نیز ایجاد کنند و در حقیقت به تربیت منتظران واقعی بپردازند؛ چرا که امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

خدای متعال اهل عافیت را مکلف فرموده است به امور کسانی که از بیماری مزمنی رنج می‌برند و گرفتاری دارند، رسیدگی نمایند. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۸۹)

صحت و عافیت در انسان، هم به بدن او مربوط می‌شود و هم به روحش. از همین روی است که علی علیه السلام می‌فرماید:

پیش از آن‌که به نادانان بگویند چرا نرفتید یاد بگیرید، به دانایان می‌گویند: چرا یاد ندادید؟ (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۸۶)

لذا در روایت آمده است:

من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين، فليس بمسلم؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۱۶۳: ح ۱)

کسی که صبح از خواب بیدار شود و به فکر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

در حقیقت شناخت حقوق برادران دینی و ادای آنها، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که باید آن را جزو مهم‌ترین مصادیق فرج برای مؤمن منتظر فرج به شمار آورد. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۸۸) لذا امام باقر علیه السلام دربارهٔ دستگیری از ضعیفان، به منتظران مهدی علیه السلام این‌گونه سفارش می‌کنند:

توان گران به ضعفا و بیچارگان یاری رسانند و به فقرا و مستمندان عطوفت ورزند و اگر چنین باشد و قبل از قیام قائم ما از دنیا برود، شهید خواهد شد. (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۳۱ - ۲۳۲، مجلس نهم، ج ۲)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

اصحاب قائم به گونه‌ای با هم معاشرت می‌کنند، گویا از یک پدر و مادر هستند. (بحرانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۲۳ - ۲۴)

آپورت وجدان بالغ را حاکی از حس وظیفه‌شناسی وی به خود و دیگران می‌داند که شاید از ارزش‌های دینی یا اخلاقی ریشه گرفته باشد. از دیدگاه او شخصیت سالم متوجه دیگران است و به هیچ روی خودمدار نیست. (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۳ و ۳۵)

اریک فروم مطلوب‌ترین راه را ایجاد حس برادری به هم‌نوعان می‌داند. وی معتقد است که احساس ارتباط و عشق و توجه و مشارکت در جامعه، این حس هم‌بستگی با دیگران، نیاز ریشه داشتن، ارتباط و وابستگی به جهان را ارضا می‌کند. (همو: ۶۷)

مزلو می‌گوید:

خواستاران تحقق خود، به همهٔ انسان‌ها عمیقاً احساس هم‌دلی و محبت دارند و در عین حال آمادهٔ کمک به بشریت هستند. آنها به دیگران به‌ویژه کودکان، مهربان و شکیبا هستند. (همو: ۱۱ و ۱۱۰)

مؤلفهٔ اشتیاق

بُعد عاطفی انتظار که در حقیقت نقطهٔ اوج انتظار و گرمی و حرارت آن به شمار می‌آید، اشتیاق است. هرچه آتش این اشتیاق در وجود منتظر بیشتر شعله‌ور شود، مفارقت دوست مشکل‌تر و تلخ‌تر خواهد شد و غم و اندوه فراوان‌تری به دنبال خواهد داشت چنان‌که به بکاء، جزع و ندبه منجر می‌شود. (فقیه ایمانی، ۱۳۸۴: ۱۳۴)

تأثیر مؤلفهٔ اشتیاق در شخصیت منتظر

الف) عشق و محبت

امام رضا علیه السلام فرمود:

أَلأَنيسَ الرَّفِيقِ و الوالدِ الشَّقِيقِ و الأخِ الشَّقِيقِ...؛ (كلینی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۰۰: ح ۱)
امام، همدم و رفیق، پدر و مهربان... است.

در دعای ندبه آمده است:

بنفسی أنت من مغیبٍ لم یخل منّا... عزیز علیّ أن أرى الخلق و لأثری و لا أسمع لك
حسیساً و لا نجوی... لیت شعری أين استقرت بك النوی بل أی أرضٍ تقلک أو ثری أ
برضوی أم غیرها أم ذی طوی؟

جانم فدای تو ای ناپیدایی که از ما بیرون نیست! ... چقدر بر من جان کاه است که مردم را
بینم، اما تو دیده نشوی و هیچ گونه صدا و سخنی از تو نشنوم ... ای کاش می دانستم در
چه جایی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را دربر گرفته است! آیا در کوه رضوی
هستی و یا در جای دیگر و یا در ذی طوی هستی...؟

به راستی منتظر عاشقی است که به دنبال یار می‌گردد و با شور و شوق همه جا را در طلبش
جست‌وجو می‌کند.

آپورت معتقد است شخص سالم از نظر روانی، به پدر، مادر، فرزندان، همسر یا دوستان
نزدیکش عشق و محبت نشان می‌دهد. این توانایی، حاصل پرورش کامل مفهوم خود است. در
این حال شخص به فرد محبوب خود احساسی اطمینان‌بخش نشان می‌دهد و به آسودگی و
شادمانی او به اندازه خوشی و آسایش خودش اظهار علاقه می‌کند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۸)
فرانکل نیز معتقد است ویژگی دیگر انسان‌های از خود فرارونده توانایی ایثار و دریافت عشق
است. عشق، هدف نهایی انسان است. رستگاری از راه عشق و در عشق است. با ایثار عشق به
دیگری می‌توان خصایل و ویژگی‌های ممتاز او، حتی آنهایی را دید که هنوز تحقق نیافته‌اند.
(همو: ۱۶۷)

ب) چشم به راه بودن

منتظر واقعی کسی است که برای رسیدن یار لحظه‌شماری می‌کند؛ یعنی به او عشق می‌ورزد،
با او سخن می‌گوید و با چشم‌های نگران، به دوردست می‌نگرد تا شاید او را ببیند و بیابد.
در زیارت آل‌یاسین آمده است:

السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقْرَأُ وَ تَبَیِّنُ السَّلَامُ
عَلَیْكَ حَیْنَ تَصَلِّیْ وَ تَقْنَتُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَرْكِعُ وَ تَسْجُدُ...؛

سلام بر تو آن‌گاه که می‌ایستی، سلام بر تو آن‌گاه که می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که
قرآن می‌خوانی و بیان می‌کنی، آن‌گاه که نماز می‌گزاری و قنوت می‌بندی، سلام بر تو
چون به رکوع می‌روی و سجده می‌کنی... .



یعنی در همهٔ احوال دلم با تو و چشمم به راه توست. از همین روی، مؤلف کتاب *مکیال المکارم* در مورد برخی نشانه‌های انتظار کامل می‌فرماید:

«اول. آن‌که شخص منتظر دائماً محزون و غمگین است، در زمان فراق محبوب خود؛ دوم. گریان بودن در انتظار آن حضرت؛

سوم. همیشه به یاد آن حضرت بودن و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن؛ چهارم. چون انتظار و مقام محبت شدید شد، خواب و خوراک شخص کم می‌شود، بلکه کار به جایی می‌رسد که از هیچ چیز از امور خود روی برنمی‌گرداند؛

پنجم. چون انتظار کامل شد، شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی‌برد، بلکه لذت او منحصر به ذکر محبوب می‌شود.» (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

آپورت شخصیت سالم را لزوماً شخصیت بی‌خیال و شاد نمی‌داند. در واقع، او معتقد است زندگی شخص سالم چه‌بسا سخت و تلخ و آکنده از درد و رنج باشد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸)

قصد قربت در انتظار فرج امام عصر علیه السلام

اساسی‌ترین ویژگی منتظر واقعی معرفت عمیق به خداوند متعال است. (احمدی سعدی و فرزاد فرد، بی‌تا: ۱۹۴) قرآن کریم در مورد ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾؛ (مانده: ۵۴)

در راه خدا جهاد می‌کنند.

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ (مجادله: ۲۲)

به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

مردانی که خدا را آن‌چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی در آخرالزمانند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ۲۲۹، ح ۵۶)

انتظار فرج، بندگی خداوند متعال است و در این مسیر باید همان‌گونه حرکت کرد که خداوند اراده می‌کند و این نوع انتظار است که والاترین عبادت محسوب می‌شود: «أفضل العباداة إنتظار الفرج.» (قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳: ۳۹۷، ح ۵۱)

به عبارتی قصد تقرب به ساحت قدس خداوند متعال یا محبت و رضای او، انگیزهٔ اصلی انسان منتظر است. این انگیزه‌ای است فرارونده از خود، ولی در عین حال دارای جهت‌گیری کاملاً مشخص، یعنی به سمت بالاترین مبدأ آفرینش است.

این انگیزه از امور عبادی شروع می‌شود و دایرهٔ آن می‌تواند تمام گسترهٔ زندگی مؤمن منتظر را فرا بگیرد. اگرچه این قسمت با نظریهٔ «فرانکل» مشابهت‌هایی دارد، او معنایابی را در امور

دیگری مثل رنج، عشق، و خلاقیت ترسیم می‌کند که الزاماً جهتی فرارونده به سوی مبدأ اعلای الهی مورد نظر او نیست. (آذربایجانی، ۱۳۷۵: ۶ - ۲۲)

امام علی علیه السلام نیز در وصف یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌کند. آنها از هیچ کس ترسان نمی‌شوند و از این که کسی به آنها بیوندد شادمان نمی‌گردند. (احمدی سعدی و فرزادفرد، بی تا: ۱۹۲)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمان‌بردار او؛ آنان اولیای خدا هستند؛ همان‌ها که نه ترس آنها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند. (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۵۷، باب ۳۳، ح ۵۴)

روایات فوق بر نقش داشتن بُعد ناهشیار انسان در تشکیل شخصیت او و تعیین ساختارهای وجودی او اشاره می‌کنند. اگر چه تعابیر موجود در متون اسلامی، با ابعاد ناهشیار فریادی مناسبی ندارد، نزدیکی خاصی با «ضمیر ناهشیار» یونگ دارد؛ زیرا از نظر وی محتوای ضمیر ناهشیار، شامل خدا، روح و نیروهای غیبی می‌شود: «این مفهوم معادل است با نمود روح، نفس، خدا، سلامت و... همچنین حالات نفسانی که با هیجان شروع می‌شود.» (آذربایجانی، ۱۳۷۵: ۶ - ۲۲)

نمونه‌هایی از این ندهای ناهشیار یا تأثیرات ناهشیار در قرآن کریم نیز وجود دارد:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا﴾ (فتح: ۴)

اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزاید.

به عبارت دیگر باید گفت در مکتب انتظار مجموعه عوامل دخیل در شکوفایی انسان، صرفاً عوامل هشیار ارادی و محیطی و... نیستند، بلکه عوامل ناهشیار و ماوراء طبیعی نیز می‌توانند در این زمینه نقش داشته باشند. باید متذکر شد این مقایسه بدین معنا نیست که تفسیر روان‌شناختی یونگ، برای وجود خدا و نیروهای ماوراء طبیعی نیز پذیرفته می‌شود.

نتیجه

در پایان به طور طبقه‌بندی شده، نظرات تطبیقی مکتب انتظار درباره شخصیت مطلوب و سالم ارائه می‌شود:

انگیزش: قصد تقرب به ساحت قدس خداوند متعال یا محبت و رضای او، انگیزه اصلی انسان منتظر است. این قسمت با نظریه «فرانکل» مشابهت‌هایی دارد.

تأکید بر هشیار یا ناهشیار: تأکید بر هر دو است، لکن تأکید اصلی بر بخش هشیار انسان است که نمود اصلی آن همان اراده و کوشش در راه امور اختیاری است. در این قسمت می‌توان



گفت نظرات روان‌شناسان مذکور با دیدگاه مکتب انتظار تقریباً مشترک است. از طرفی قرائنی هم بر نقش داشتن بعد ناهشیار انسان در تشکیل شخصیت او و تعیین ساختارهای وجودی او، در آیات و روایات دیده می‌شود. این نزدیکی خاصی با «ضمیر ناهشیار» یونگ دارد.

تأکید بر گذشته، حال یا آینده: تأکید اصلی بر زمان حال است و از این جهت می‌توان گفت دیدگاه روان‌شناسان مذکور، خصوصاً دیدگاه پرلز که بر زمان و این مکان تأکید بسیار دارد، با دیدگاه مکتب انتظار تقریباً مشترک است، اما با وجود این در روایات و آیات نشانه‌هایی از تأثیر گذشته و نقش آینده در ساختن شخصیت مطلوب مشاهده می‌شود.

تأثیر گذشته فرد از نظر اسلام و در نتیجه از دیدگاه مکتب انتظار مورد تردید نیست، ولی مهم این است که انسان مؤمن در اسلام، هیچ‌گاه اسیر دست‌بسته گذشته خود نیست و با اراده و اختیار آگاهانه خود مسیر کمال و تعالی خود را برمی‌گزیند. این قسمت با نظریات آلپورت، راجرز، مزلو، فرانکل و پرلز مطابقت دارد.

نقش آینده را نیز در جهاتی می‌توان مشاهده کرد:

یکم. مکتب انتظار، داشتن هدف را در رشد و کمال انسان مؤثر می‌داند؛

دوم. داشتن امید صادق و مطابق با واقع، خصوصاً اگر امید به لطف و رحمت پروردگار باشد هیچ محدودیتی ندارد.

این قسمت نیز با نظریات آلپورت، یونگ و فرانکل تقریباً مطابقت دارد.

تأکید بر افزایش یا کاهش تنش: نظر مکتب انتظار در این زمینه، افزایش تنش برای فعالیت فردی و اجتماعی است که با نظریات آلپورت، راجرز، مزلو و فرانکل مشترک است.

نقش کار و هدف‌ها: از دیدگاه مکتب انتظار، «کار» در شکوفایی استعدادهای انسان امری مهم و ضروری است. این قسمت با نظرات آلپورت، مزلو و فرانکل مطابقت دارد.

احساس مسئولیت درباره دیگران: اسلام و در نتیجه مکتب انتظار به طور جدی بر این امر تأکید دارد. این قسمت نیز با نظریات آلپورت، فروم، مزلو و فرانکل مشترک است.

ماهیت ادراک: استخراج دیدگاه مکتب انتظار در این محور نیازمند تأمل بیشتر است.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، «انسان کامل (مطلوب) از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی» فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، تهران، سال سوم، ش ۹، زمستان ۱۳۷۵ ش.
- _____، «رابطه انتظار و بهداشت روان»، سخن‌رانی‌ها و مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن محمد، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی‌تا.

۴. احمدی سعدی، عاطفه؛ فرزاد فرد، سمیه، تنها راه (چهارده گفتار پیرامون شناخت حضرت مهدی علیه السلام)، شیراز، نشر بیناد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ سوم، بی تا.
۵. ادیبی، حسین، زمینه انسان‌شناسی، تهران، نشر لوح، ۱۳۵۶ ش.
۶. اصفهانی، محمدرضا، مکالمات المکارم، تحقیق: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۷. ال اتکینسون، ریثا، زمینه روان‌شناسی هیگارد، ترجمه: محمدرضا برهنی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۸ ش.
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: مؤسسة البعثة، بیروت، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۹. بندر ریگی، محمد، المنجد، تهران، انتشارات ایران، بی تا.
۱۰. بنی‌هاشمی، محمد، سلوک منتظران، تهران، نشر منیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. بهرامی احسان، هادی، «بررسی نقش انتظار و اعتقاد به مهدویت در تحکیم ارزش‌های دینی»، وبسایت منجی (www.monjee.com)، قم، پژوهشکده انتظار نور، بی تا.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۱۳. رفیعی، بهروز، آرای دانش‌مندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. شرفی، محمدرضا، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، ماه‌نامه موعود، ویژه‌نامه تربیت مهدوی، سال هفتم، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۲ ش.
۱۵. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، شرح: محمد عبده، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. شفیعی سروسناتی، ابراهیم، فرهنگ انتظار (شیعه، انتظار و تکالیف منتظران)، تهران، نشر موعود، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. شولتس، دوآن، روان‌شناسی کمال، ترجمه: گیتی خوش‌دل، تهران، نشر پیکان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.

۲۰. _____، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین ۱۴۰۵ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، انتشارات دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۲. _____، *الغیبة*، تحقیق: شیخ عبدالله طهرانی، چاپ اول، ۱۴۱۱ مؤسسه معارف الاسلامیه قم.
۲۳. فقیه ایمانی، محمدباقر، *شیوه‌های یاری قائم آل محمد*، قم، نشر عطر عطرت، ۱۳۸۴ش.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، نجف، منشورات مکتبه الهدی، ۱۳۸۷ق.
۲۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة لذوی القربی*، تحقیق: سید جمال اشرف، قم دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲۶. کریمی، یوسف، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شفیعی، قم، انتشارات دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ش.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبة*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انتشارات انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۲. واعظی، احمد، *انسان از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷ش.
۳۳. هورنای، کارن، *تضادهای درونی ما*، ترجمه: محمدجعفر مصفا، تهران، نشر بهجت، ۱۳۸۸ش.
34. Allport, G, *Becoming: Basic Consideration for a Psychology of Personality* New Haven: Yale University press, 1955.
35. Frankl, V, *Mans Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy*. Boston: Beacon press, 1962.
36. Maslow, A. H, *The Farther Reaches of Human Nature*: New York: Viking, 1971.
37. Rogers, C.R, *On Becoming a Person: ATherapists View of psycho therapy*, Boston: Houghton,Mifflin, 1961.